

حمله تروریستی پاریس! اطلاعیه حزب حکمتیست خط رسمی ص ۲

اعتصابات کارگری برای اعتراض به دستمزدهای کم، تامین بیمه های اجتماعی و بیمه بیکاری، علیه حقوق های معوقه، علیه اخراج و ... میتوان گفت در ایران روزمره در جریان است. تنها در یک هفته اخیر، کارگران پارس خودرو، شرکت واحد، معدن سنگرود، واگن پارس اراک و ...، تحصن و اعتصاب خود را برای تحقق مطالباتشان سازمان دادند این روندی است که کارگران بخشهای مختلف صنایع و معادن و شرکت ها علیه بیحقوقی و ستم و استثمار کارفرماها و حامیان دولتی شان ادامه داشته است. ... صفحه ۳

پیروزی یک اعتصاب، دستاورد کل طبقه کارگر است!

مظفر محمدی

ترور در پاریس و معضل اسلامیت حکومت تهران

ثریا شهابی

کسی از قربانیان بی گناه "بوکو حرام" خبر دارد؟!!

ثریا شهابی

مردم را علیه ابعاد این و آن جنایت مشابه، برحسب نژاد و ملیت و مذهب و سر و وضع و ریخت و قیافه قربانی، بطور نسبی کنترل و جلب کنند. ... صفحه ۳

مقابله با تروریسم اسلامی به شیوه اولاند و روحانی یا شارلی ابدو!

مظفر محمدی



بورژوازی جهان از واشنگتن تا لندن و پاریس و تهران تلاش می کنند اسلام و به تبع آن، ادیان دیگر را از زیر تیغ حمله آزادخواهانه بشریت متمدن جهان امروز بیرون بکشند. سرمایه داری در همه جای دنیا و روسای دولتهای سرمایه داری از اوباما تا فرانسوا اولاند و خامنه ای و روحانی به یک اندازه به دین از هر نوع و جنس آن (اسلام، مسیحیت، یهودی و...) احتیاج دارند.
ادیان در طول تاریخ، خدمت بزرگی به نظام سرمایه داری و تبعیض و ستم و استثمارش کرده و می کنند. ... صفحه ۴

ترور و قتل عام جمعی کارکنان و کاریکاتوریست های روزنامه شارلی ابدو در پاریس علاوه بر فضای متناقضی که در صف بندی اعتراضات در پاریس و سراسر جهان بوجود آورده است دولت آقای روحانی و بیت امام را نیز با مشکلات زیادی مواجه کرده است.

آقای روحانی در فاصله گرفتن از جنایت شارلی ابدو و در معرفی اسلام پاستوریزه در حکومت خودشان تلاش کرد که از طریق سخنگوی وزارت خارجه به نحو دوپهلویی، هم این جنایت را محکوم کند و هم علیه انشار مطالب توهین آمیز نسبت به اسلام به زبان نزاکت سیاسی عقاید مردم اعلام موضعی کرده باشد. روحانی بعلاوه زیرلی در مورد معرفی اسلام رحمانی در مقابل اسلام بعنوان دین خشونت، بیچ پیچ هایی هم کرده است. بعلاوه برای خالی نبودن عریضه بعنوان متولی داعش ظاهر شده و در حالی که داعش مسولیت این ترور وحشیانه را پذیرفته است، رسانه هایشان روی انزجار عموم از جنایات دولت اسراییل سرمایه گذاری کرده و این جنایت را به گردن اسراییل انداخته اند.

تعارفات روحانی و خامنه ای در محکومیت ترور و جنایاتی که با پرچم اسلام این بار بدون رهبری مستقیم آنها افسار گسیخته از خاورمیانه تا اروپا و استرالیا و آفریقا وحشیانه آدم می کشد، تنها و تنها نشان شکست ایدولوژیک جمهوری اسلامی است.

اسلام راستین در قدرت در ایران که بدون نزاکت سیاسی و بی تعارف و صریح صحبت میکند، آن چیزی است که کیهان و شریعتمداری بالا میآروند و مثلاً خواهان اعدام رفقای خودشان، موسوی و کروبی به جرایم بسیار کمتری از ژورنالیست های شارلی ابدو است. ... صفحه ۲

حمله تروریستی پاریس!

اطلاعیه حزب حکمتیست - خط رسمی

آمریکا برای ایستادن بر سکوی ریاست جهان تنها به قیمت تخریب خاورمیانه محدود بماند. شرکای حاشیه ای تر از جنس خود قدرت های جهانی مدتها است که به میدان آمده اند.

چه کسی گفته بود که رقابت در آدم کشی در عراق و سوریه و لیبی و این و آن گوشه پرت جهان تنها میدان قدرت های اصلی است. قدرت های حاشیه ای چون داعش و بوکو حرام و القاعده و جبهه النصر و جهاد گرایان و این و آن دسته مافیایی باند سپاهی هم به میدان آمده اند و سهم میخواهند. این جهان و منجلاپی است که پیروزی غرب در جنگ سرد برای بشریت به ارمغان آورده است.

هنوز پیکر به خون کشیده شده ژورنالیست های مجله شارلی ابدو دفن نشده است و راسیسم و خارجی ستیزی به بهانه این حمله تروریستی فضا را بشدت مسموم کرده است. این منجلاپ بلافاصله دستجات راست افراطی را به تحرک و میدان داری کشانده است. این هم دورنمای دهشتناکی است که در مقابل بشریت گذاشته اند.

جهان هیچگاه به اندازه امروز به سوسیالیسم نیاز نداشته است.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
(خط رسمی) ۸ ژانویه ۲۰۱۵

اسلام دین عبودیت و بردگی زن و انتقام و غزا و خون خواهی است در این تردیدی نیست. بیش از سی سال است که افسار گسیخته در ایران حکومت میکند و ایران افتخار این را دارد که در قرن بیست و یکم صدر اولین احکام جهاد و تکفیر و صدور مجوز قتل کسانی بوده است که کمترین نقدی به اسلام و پیغمبرش داشته اند. اما این دور باطل ماشین کشتار جنایی که از بن غازی تا پاریس از پیشاور تا روستاهای نیجریه را به تسخیر در آورده است، این دور باطل و مخربی که مردم را از تهران و سنندج تا آنکارا و لندن و مادرید به تسلیم در مقابل وضع موجود کشانده است، این عقبگرد عظیم و مخوف منجلاپی است که محصول مستقیم تحرکات رقابت ها و ابتکارات قدرت های جهانی در جهان صنعتی و مدرن غرب است. در میدان رقابت بین قدرت های جهانی در عراق و لیبی و سوریه هر روز و هر لحظه انواع جانوران مسلح به اسلحه و پول ناتو و آمریکا و عربستان سعودی و قطر و ترکیه و البته با لباس داعش و پرچم اسلام متولد شدند و هر روز جنایت می آفرینند.

اینها نتوانستند تضمین کنند که جنگ قدرت بین سران قدرت های جهانی و بیش از همه تلاش

خبر حمله جنایتکارانه و تروریستی به دفتر مجله "شارلی ابدو" در پاریس و کشتار بیرحمانه ژورنالیست ها و کارکنان این مجله نمی تواند از طرف هیچ موجود زنده ای که کمترین نشانی از انسانیت برده باشد با نفرت و خشم مواجه نشود.

این قتل دسته جمعی که ۱۲ کشته و تعداد بیشتری زخمی برجای گذاشت، در کنار کشتار دانش آموزان پیشاور و عملیات تروریستی کشتار مردم بیگانه در سیدنی و ربودن دختران و روانه کردن آنها به بازار برای فروش در نیجریه، تهدید و ارباب و حکم فتوای قتل نویسندگان در الجزیره و عملیات انتحاری و انفجاری در افغانستان و پاکستان و عراق و .. که هر روز دهها و صدها نفر را قربانی میکند، امروز دیگر به جزئی از زندگی روزمره مردم در سراسر جهان تبدیل شده است.

این دور سیاه و کثیف قتل و کشتار و تباهی که به دوران "پس از عروج داعش" نام گذاری شده است نه پدیده ای در مورد محدود کردن حق و آزادی عقیده و بیان است و نه رویدادی در حوزه اعتقادات مذهبی مردم و به زبان رایج امروزی تحت تاثیر بنیادگرایی.

ترور در پاریس ...

تلاشهای امروز جمهوری اسلامی برای فاصله گرفتن از آن دسته عملیات هایی که خودشان در تهران و سنندج و اصفهان و مشهد و پاریس و میکونوس و بن و لارناکا میگردند و آنروزها آن را با افتخار نشان عظمت انقلاب اسلامی میدانستند، چیزی جز یک توبه سیاسی و مصلحتی بیش نیست. این بیش از هر چیز، امروز نشان شکست عمیق رژیم اسلامی در پیاده کردن اهداف ایدئولوژیک اش است.

خودشان بیش از هر کس میدانند که رهبران و قاتلان شارلی ابدو از جنس خمینی و لاجوردی و خامنه ای و رفسنجانی و شریعتمداری و همه رهبران جمهوری اسلامی ایران اند. توبه های امروزشان تلاشی برای پنهان کردن این رابطه خویشاوندی است.

خمینی رهبر همه شان و همه جناحهایشان بود و هست. از مقام معظم رهبری و امام و سرور همه شان خمینی، بیاد بیاوریم آنگاه که علیه ایات شیطانی فتوا داد:

"بسمه تعالی انا لله و انا الیه راجعون به اطلاع مسلمانان غیور سراسر جهان می رسانم مؤلف کتاب "آیات شیطانی" که علیه اسلام و پیامبر و قرآن، تنظیم شده است، همچنین ناشرین مطلع از

محتوای آن، محکوم به اعدام می باشند. از مسلمانان غیور می خواهیم تا در هر نقطه که آنان را یافتند، سریعاً آنها را اعدام نمایند تا دیگر کسی جرأت نکند

به مقدسات مسلمین توهین نماید و هر کس که در این راه کشته شود، شهید است ان شاء الله. ضمناً اگر کسی دسترسی به مؤلف کتاب دارد ولی خود قدرت اعدام او را ندارد، او را به مردم معرفی نماید تا به جزای اعمالش برسد. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته"

روح الله الموسوی الخمینی ۲۹ بهمن ۱۳۶۷

بختیار، کشتار جمعی در رستوران میکونوس و قتل صادق شرفکندی همایون اردلان، فتح عبدلی و نوری دهکردی ...

هر انسان متوهم و پادروایی که بخواهد ادعایی در مورد تبدیل اسلام به دین رحمت و عطاوت داشته باشد، سردادن این ادعا از جانب سران فاشیسم اسلامی ایران، بیش از هر چیز بیانگر اعتراف به شکست آنها در پیروزی رساندن انقلاب اسلامی در ایران و جهان است.

اگر بتوان از نازیسم پس از تجربه آشویتس، شاخه حقوق بشری تولید کرد، از اسلامی که در اواخر قرن بیست و اوایل قرن بیست و یکم در ایران سی و چند سال حکومت کرده است، نیز میتوان رگه خوش خیم ساخت.

شکست هویتی اسلام سیاسی در ایران در دل خلا ایدئولوژیکی که بر جهان حاکم است را، باید با پیشروی ایده های انسانی، با تعرض سوسیالیسم و کمونیسم طبقه کارگر علیه ارتجاع منطقه ای و بین المللی پاسخ داد.

در فقدان عروج سوسیالیسم و ایده های برتر و انسانی و انقلابی آن، هر هویت فاشیستی و دست راستی دیگری میتواند جایگزین این خلا ایدئولوژیکی شود که بر جهان امروز غالب است.

مرکز بر جمهوری اسلامی زنده باد سوسیالیسم

کسی از قربانیان ...

مافیای رسانه های رسمی دول غربی همزمان بر پیشانی دو هزار قربانی بوکوحرام مهر مردم مسلمان زدند و به این ترتیب آنها را در این میدان توحش جنگ قدرت میان باند های تروریستی دولتی و غیر دولتی به حاشیه راندند.

نه اعتقادات قربانیان نیجریه و نه اعتقادات ژورنالیست های پاریس، این حمام های خون و چرک را که از فرانسه تا نیجریه و یمن و استرالیا و خاورمیانه هر روز از روز قبل بیشتر و کثیف تر جنایت میکنند را توضیح نمی دهد.

این منجلاب میتواند با عملیات نجات بخش ناتو و دولت فرانسه به بهانه قتل عام در پاریس و به نام برقراری امنیت، خونین تر شود.

آیا نیجریه کاندید بعدی بمباران شدن و محاصره اقتصادی است؟ آیا این بار قرعه انتخاب حوزه زور آزمایی میان دول غربی بنام آفریقا خواهد افتاد؟ یا بر سر مردم بیگانه و قربانیان اسیر دست بوکو حرام، هم بمب های بشردوستانه ناتو نخواهد بارید آنطور که در عراق پس از یازده سپتامبر بارید! و یا دستجات آدم کش و تروریست بیشتری تحت

نام عملیات بشردوستانه ناتو و به تلافی قتل عام پاریس، به باطلاق نیجریه اضافه نخواهد شد آنطوری که در سوریه شد؟

در این منجلاب هر نیروی سیاه و مخربی از دول تروریست حاکم تا سازمانهای سوپر ارتجاعی و دست راستی نژاد پرستان تا مذهبی - ملی های غیور میتوانند به بهانه برقراری امنیت عروج کنند و با به آتش کشیدن خانه و کاشانه بخشی از جامعه، همان کاری را که بوکو حرام در نیجریه میکند در خیابانهای پاریس و لندن و برلین، این بار بنام دفاع تمدن در مقابل توحش، انجام دهند.

این جنگ دنیای وحشی و مذهبی آسیا و آفریقا و خاورمیانه، با جهان متمدن و مدرن غرب نیست. این جنگی بین اعتقادات مردم نیست. این منجالات تبعات جنگ جهان متمدن برای تقسیم قدرت میان خود است که کثافتاتی از جنس خود را بنام بوکو حرام و القاعده و داعش را هم به میدان آورده است. به این دور هولناک قتل عام، نه دولت آمریکا و نه دولت فرانسه، که خود از جمله بازیگران اصلی تروریسم دولتی جهان هستند، نه تنها نمی توانند پایان دهند که به آن دامن میزنند. عراق و بهانه

یازده سپتامبر برای به حرکت درآوردن ماشین میلیتاریسم غرب برای بیش از یک دهه را، همه بیاد دارند.

بشریت نباید اجازه قرعه کشی دیگری به سران تروریسم و میلیتاریسم جهانی بدهد.

داعش و اسلام سیاسی و القاعده محصول غرب، به رهبری دولت آمریکا، محصول تخصصات قبلی با شوروی و حاصل جنگ قدرت ده سال گذشته شان به قیمت تخریب خاورمیانه اند. نباید اجازه داد قتل عام پاریس به برکتی برای عروج مجدد ماشین میلیتاریسم غرب برای به حرکت در آمدن این بار در آفریقا، تبدیل شود. بر افسار گسیخته جنایتان در قدرت و مدعی قدرت، از ناتو و دولت آمریکا تا بوکو حرام و جبهه نصر و الجهاد و داعش و تروریسم اسلام سیاسی در ایران، تنها و تنها با دخالت مستقیم از پایین مهار زده میشود.

کوبانی، مقاومت مسلحانه و مستقیم مردم، راه نشان میدهد. خشم و بعضی و کینه به حق در مقابل این جنایات را باید به سمبه پرزوری برای مقابله با تقابل تروریست های "اسلامی و غیراسلامی"، "غربی و شرقی" تبدیل کرد.

پیروزی یک اعتصاب ...

در همه این اعتصابات و اعتراضات مداوم کارگری، اولین سوالی که به ذهن کارگران و فعالین و رهبران شان می رسد این است که، پیروزی این مبارزات در گرو چیست؟ چگونه در شرایطی که طبقه کارگر فاقد تشکل مستقل و سراسری خود است، خود را به مثابه طبقه واحد نمی بیند و فاقد حزب سیاسی خود است، اعتصابات و مبارزات کارگری پیروز می شود؟

در جواب به این سوال باید گفت که، صرف نظر از همه آن کمبودها و محدودیت ها، تجارب مبارزات تا کنونی طبقه کارگر در ایران نیز نشان داده است که مبارزه و اعتراض کارگر به شرایط طاقت فرسای کار و زندگی، ناامنی شغلی، عدم تامین اجتماعی و بیمه بیکاری، در انتظار تحقق اهداف عالی تر طبقه از جمله تشکل سراسری و تحزب کمونیستی اش نمانده است. بعبارت دیگر، پیشروی های طبقه کارگر بسوی اهداف عالی تر، خود در گرو پیروزی همین مبارزات جاری و اعتصابات کارگری است که مدام در مراکز کارگری مختلف انجام می شود.

کسی که برای اتحاد کل طبقه و تشکل سراسری و سراسری شدن مبارزات و اعتصابات کارگری تلاش می کند و دل می سوزاند باید در وهله اول برای به پیروزی رساندن همین مبارزات جاری بکوشد.

پیروزی هر اعتصاب و اعتراض کارگری در هر کجای مملکت و با هر اندازه نیرو، پیروزی کل طبقه کارگر است. دستاوردی است که به کل طبقه سود می رساند، کارگران از آن نیرو می گیرند، امیدوار می شوند و به قدرت خود بیشتر واقف می گردند.

برای به پیروزی رسیدن اعتصابات و مبارزات کارگری ولو جدای از همدیگر، راه و روشهای متعدد و گوناگونی وجود دارد که بعضی از آنها

داده و از تجارب خود کارگران است. برای مثال مصم و پیگیر بودن کارگران اعتصابی و حفظ اتحادشان تا به آخر چیزی نیست که کارگران اعتصابی خود به آن واقف نباشند. یا تا کنون کم تر اعتصاب کارگری را می توان دید که از درون و به دلیل اعتصاب شکنی بخشی از کارگران و یا، اختلافات درون فعالین و رهبران کارگری شکست خورده باشد. همچنین، کارگران اعتصابی مساله توازن قوا و اینکه تا کجا می توانند پیش بروند و کجا باید عقب نشینی کنند را همواره مد نظر دارند. بنا بر این، تا آنجا که به درون صفوف خود کارگران اعتصابی بر میگردد چیز بیشتری نمیتوان گفت و انتظار داشت. کارگران اعتصابی معدن سنگرود می گویند، "ما مردن را به این زندگی ترجیح می دهیم". یا، "کارفرما غلط می کند حقوق ما را بموقع نمی پردازد..." و دست از کار می کشند.

اما چیزی که امروز باید انتظار داشت اتفاق بیفتد، همبستگی بخشهای دیگر طبقه کارگر با کارگران اعتصابی است. تا کنون نمونه های ولو محدودی از این همبستگی به صورت اعلامیه و ابراز همدردی از جانب بخش های کوچک تر و یا شخصیت ها و جمع های فعالین کارگری را شاهد بوده ایم. صرف اعلام همبستگی و ابراز همدردی خوب است اما کافی نیست.

برای مثال، چند روز پیش کارگران معدن سنگرود در اعماق معدن تحصن کرده و اعلام کردند که تا تحقق مطالباتشان که تامین اجتماعی، بیمه ها و حقوق معوقه شان است، از تونل های معدن خارج نمی شوند.

تصور کنید که در مدت اعتصاب و تحصن کارگران در تونل های معدن، سیل حمایت مبارزاتی بصورت اعلامیه و نامه همبستگی راه بیفتد؛ مراکز کارگری بزرگ مانند پتروشیمی ها، نفت و ماشین سازی ها و بخشهای ساختمان و خدمات و غیره،

نمایندگان و سفیرهایی به معدن سنگرود اعزام کنند. هدایای خوراکی و دارو و کمکهای نقدی...، برای کارگران جمع اوری و فرستاده شود. نزدیک ترین مراکز و شرکتهای کارگری و حتی مردم سنگرود همانند بافق کرمان، از کارگران اعتصابی حمایت کنند و ...

اگر این اتفاق بیفتد، شکی نیست مبارزه کارگران معدن با درد و دردسر کم تری به پیروزی می رسد. علاوه بر آن، یک تجربه گرانبها هم به تجارب مبارزاتی کارگران و همبستگی طبقاتی بخش های مختلف کارگری افزوده می گردد.

همچنین، در دل همین اقدامات و همبستگی ها و حمایتهای مبارزاتی است که بین بخشهای مختلف طبقه کارگر و بخصوص بین فعالین و رهبران کارگری پلی از اتحاد بوجود می آید. سازماندهی مبارزه متشکل و متحدانه و سراسری کارگری هم باز در دل چنین تحولاتی امکان پذیر است.

واحد های مجزای طبقه کارگر و بخصوص فعالین و رهبران کارگری اگر امروز در عزا و عروسی کنار هم قرار نگیرند، نمی توان در انتظار تحول خودبخودی و یا معجزه اتحاد و تشکل و سراسری شدن مبارزه طبقاتی بود. اگر معجزه ای قرار است اتفاق بیفتد اقدام به ایجاد یک همبستگی مبارزاتی و عملی و ایجاد پلهای ارتباطی و وحدت طلبانه در میان صفوف به ظاهر جدا جدای طبقه کارگر در جریان اعتصاب، تحصن و اعتراضات جاری طبقه کارگر است.

بزرگ ترین و مهم ترین تحول و پیشروی مبارزه طبقه کارگر ایران در حال حاضر این است که رهبران و فعالین کارگری لولای این همبستگی و اتحاد صفوف طبقه خود در جریان مبارزه و اعتصاب و تحصن و اعتراضات امروزشان باشند.

مقابله با تروریسم ...

ادیان ابزار مالکان و صاحبان ثروت برای تحمیق و فریب توده های رعیت و کارگر و زحمتکش و ابزار ستم و سرکوب و خفه کردن هر نوع ابزار وجود و اراده انسان برای تعیین سرنوشت خویش بوده است. ادیان، زحمتکشان و نه سرمایه داران و صاحبان ثروت را به تسلیم و رضا دعوت می کنند تا به قیمت خون و عرق و تحمل بدبختی خود، خوشبختی اقلیت مفتخور بورژوا و کشیش و ملا را تأمین کنند.

امروز دین تنها افیون توده ها نیست، ابزار سرکوب و کشتار فردی و جمعی و ارباب و ترساندن اکثریت مردم توسط اقلیتی است که هم ثروت و دارایی های جامعه را در اختیار دارند و هم قدرت سیاسی و دولتی برای حفظ این ثروت.

ادیان علیرغم تفاوت های تاریخی و اسمی و حتی اختلافات و جنگ هایشان با هم، مثل جنگ های صلیبی و جنگ یهودیان و اسلامیان و شعبات مختلف آنها با هم، اما در محتوا یکی و همه از یک آبشخور سرچشمه می گیرند. محتوای ادیان در تقدس مالکیت خصوصی و حفظ نظام نابرابر، در بی اراده کردن انسان در مقابل ستمگران و احاله شان به آسمان ها و بهشت و جهنم، در ضدیت با زن، نصف انسان های جامعه بشری و در ایجاد رعب و وحشت در میان مردم بوسلیله آیات و احادیث پیامبران و تهدید و اجرای احکام شرعی بریدن سر و دست و زدن شلاق و اعدام های دستجمعی مخالفین عقاید پوسیده و اراجیف تهوع آور ادیان، یکسان و یکی است.

اما این اشتراک و یکسانی اهداف و روش های ضد انسانی ادیان را از فرانسوا اولاند تا روحانی و شیوخ عربی و دیگر همپالگی هایشان در جهان، انکار می کنند. فرانسوا اولاند ریس جمهور فرانسه تأکید می کند که این افراطی ها و افراد متعصب ارتباطی با دین اسلام ندارند و روحانی میگوید باید اسلام رحمانی و اعتدالی را به جهان معرفی کنیم. آیا این افاضات ریاکارانه براءت دولتمردان معمم و مکلا از اسلام ناب محمدی است؟ آیا این ها نمایندگان یک پروتستانیسیم اسلامی اند؟ آیا بشریت می خواهد اسلام را همچون دیگر ادیان الهی و اسمانی مهار کرده و به گوشه مساجد براند؟

نه. چنین تصمیمی و یا چنین جنبشی در کار نیست. تمام تلاشهای بورژوازی جهان برای تطهیر ادیان و از جمله اسلام است. عروج جمهوری اسلامی، بازگرداندن اسلام از کنج مساجد و حوزه های علمیه به میدان تصرف قدرت سیاسی و قبضه کردن کل ثروت و دارایی های جامعه در دستان مردان خدا و حکم راندن بر ده ها میلیون انسانی که می بایست بی اراده شوند تا اسلامیان حاکم بتوانند بدون دردسر بر گرده شان سوار شده و بهره کشی جنایتکارانه ای را علیه کارگران و زحمتکشان سازمان دهند.

هر تلاشی برای تطهیر ادیان و بخصوص اسلام، تلاشی ریاکارانه و جنایتکارانه است. چه کسی می تواند جنگ های صلیبی را فراموش کند؟ کشتار غیر مسلمان ها و یا مسلمان کردن مردم به ضرب شمشیر و کشتار جمعی و به غنیمت گرفتن همه

دارایی ها و غنیمت بحساب آوردن زنان و فروختنشان در بازار اسلامیان و یا تقسیم شان در میان امامان و فرماندهان و سربازان اسلام و ... را آیا بشریت متمدن امروز بخاطر دارد؟ چه تفاوتی میان این دستور الهی و یا پیامبرانه و امامان که فتوا و دستور داده اند: "هر کسی اسلام نیاورد دشمن است و کشتنش واجب و اموالش حلال و زنانشان غنیمت جنگی اند" با این اوامر سران جمهوری اسلامی که: "ما به زور، مردم را به بهشت می فرستیم"، وجود دارد!

اگر دنیا بخاطر ندارد، مردم ایران یادشان است که با شعار بسم الله رحمان الرحیم که همان اسلام رحمانی و اعتدالی روحانی است، خمینی فرمان قتل عام همه مخالفین اش را صادر کرد و سال ها بعد که هنوز ازادخواهی و کمونیسم و برابری طلبی نفس می کشید، در جمع حواریون و فرماندهانش گفت: "ما انقلابی و قاطع نبودیم. کم کشتیم می بایست همه شان را کشت!"

باید به اواما و اولاند و روحانی و همه ریاکاران و دروغگویان گفت که خجالت بکشید! زمانی که بتوان مردم خاورمیانه را بکمک شیوخ سوپر مسلمان دوشید، سرکوب آزادی و قطع کردن دست ها و به زیر نقاب کشیدن زنان و بیحقوقی مطلق شان در عربستان و میان شیوخ منطقه، برای آقایان چه باک است. زمانی که آیت الله خمینی برای جلوگیری از خطر انقلاب طبقه کارگر و کمونیسم، مطلوب است، زیر بغلش را میگیرند و به ایران می فرستند و دوست دیرینشان شاه را بیرون می برند. زمانی که القاعده و طالبان در مقابل رقبای منطقه ای شان سازمان داده و مسلح می شوند، نیرویی مطلوب و خوب است. و بالاخره داعش هم برای تغییر توازن قوا در عراق و سوریه به نفع خود و در مقابل رقبای منطقه ای شان لازم شد و سازمان دادند.

با منطق اواما و اولاند و روحانی و همکارانشان، باید دو نوع القاعده و طالبان، دو نوع جمهوری اسلامی، دو نوع داعش و بالاخره دو نوع اسلام وجود داشته باشد. یکی مطلوب و دیگری مذموم. زمانی که دولتمردان و صاحبان قدرت و ثروت جهانی، لازم داشتند، اسلامیان از هر نوعی مطلوب و خوب اند و زمانی که با خطر تروریسم دست پرورده های خود مواجه شدند، مذموم و زشت و پلید اند... نباید تعجب کرد اگر فردا خلافت اسلامی (داعش) با یک چراغ سبز به دامان خالقینش برگردد. مگر همین خلیفه ابوبکر و اردوغان هر دو در یک جبهه و برای منفعت مشترک با مردم کوبانی از طرفی و دولت بشار اسد، نمی جنگند؟! آیا تفاوت زیادی بین حزب عدالت اردوغان و داعش وجود دارد!

اما دنیا نباید این ادعاها و این اشک تماش ریختن های امثال دولتمردان غربی و شرقی برای شارلی ابدو و همکارانش را به پیشیزی بخرد. اسلام نوع شیوخ عربی، اسلام جمهوری اسلامی و طالبان و القاعده و داعش و بوکوحرام حتی اگر سر همدیگر را ببرند اما در محتوا و اهداف کثیف و ضد انسانی شان یکی اند. این شعبات مختلف اسلام در تقدس مالکیت و دفاع از آن تا قطع هر دستی که به آن

تخطی کند و برای حفظ نظام سرمایه دارانه، در بریدن زبان آزادی، در شیشه کردن خون کارگر، در به برده کشانیدن زنان و در ضدیت با کارگر و کمونیسم ... سرسوزنی اختلاف و تفاوت ندارند.

همه ادیان از مسیحیت و یهودیت و دیگر شاخه ها و شعبات مذاهب، ایدئولوژی سرمایه داران برای کشاندن اکثریت چند میلیاردی بشر به زیر یوغ نظام سرمایه داری و بانک ها و بازار آزاد از طریق دولتها و ارتش ها و پلیس و مساجد و کلیساها و کنیسه ها و ... است.

نظام سرمایه داری در جهان به ادیان مدیون و نیازمند است. حتی به تروریسم هم نیازمند است. به بهانه خطر تروریسمی که خود پرورده اند در جوامعی که خود حاکمیت می کنند ترس و ارباب ایجاد می کنند تا از طرفی کارگران و زحمتکشان را به سهمی در قدرت و ثروت که ندارند، قانع نگه دارند. وجود امنیت را برخشان بکشند و از طرف دیگر نیروی نظامی و امنیتی و پلیس و بمبهایشان را به رخ مردم می کشند که حساب دستشان باشد و برای به زیر کشیدن این نظام خیال خام بسرشان نزنند!

همه ادیان و از جمله اسلام از یک آبشخور سرچشمه می گیرند. دین خوب و بد و اسلام خوب و بد وجود ندارد. هر چه هست همین است. از ناب محمدی تا ناب عیسوی و موسوی و غیره تا پروتانتیسیم مسیحی و اسلام رحمانی و اعتدالی همه یکی اند. ادیان قبل از اینکه به این و آن خدا و پیغمبر نسبت داده شود، محصول ناتوانی بشر و سرانجام مخلوق و ابزار طبقه ی حاکمه علیه اکثریت مردم زحمتکش در همه جوامع طبقاتی از ارباب و رعیتی تا نظام سرمایه داری است. پشت ادیان و مسیحیت و اسلام تنها خدا و پیامبران و کشیش ها و آیت الله ها و مساجد و کلیسا و کنیسه و گروه های مسلح چون القاعده و بوکوحرام و داعش و حزب الله قرار ندارد، پشت ادیان، پنتاگون و سازمان های جاسوسی کشورهای غربی و شرقی و قدرتهای نظامی و سیاسی و مالی عظیم خفته است. دین امروز یک صنعت است مانند صنعت ماشین و صنایع نظامی. دین صنعت تبلیغ و ترویج و پروپاگاندا بورژوازی علیه بشریت آزاد، علیه طبقه کارگر، علیه سوسیالیسم و کمونیسم است.

کسانی که با این صنعت کثیف مخالف اند از کمونیست و آته ایست تا سکولار و ... نمی توانند و نباید به کم تر از چارلی ابدو و تلاشهای علیه ادیان و مذاهب رضایت دهند. اگر دنیای امن و شرافتمند و انسانی و آزاد و عاری از دروغ و ریا و فریب ادیان می خواهیم باید تلاش های شارلی ابدو و همکارانش را ارج نهاد و ادامه داد.

شبکه خبر حکمت

www.hekmatist.com

سردبیر: فواد عبداللہی

fuaduk@gmail.com

تماس با حزب

hekmatistparty@gmail.com